

دو فصلنامه تفسیر پژوهی
سال ششم، شماره یازدهم
بهار و تابستان ۹۸
صفحات ۲۹-۱۳

بررسی تفسیر آیه ۱۷ سوره احقاف با تأکید بر سبب نزول آیه*

محمد تقی اسماعیل پور**
بابک هادیان حیدری***

چکیده

آیه ۱۷ سوره احقاف از آن گونه آیاتی است که پیرامون سبب نزول آن دیدگاه‌های متفاوت در میان مفسران فریقین مطرح شده است. گروهی از مفسران فریقین بر این باورند که سبب نزول آیه، عبدالرحمن بن ابی بکر است که به پدر و مادرش اُف گفت؛ اما گروه دیگر از مفسران فریقین این نگرش را پذیرا نشده‌اند و سبب نزول آیه را شخص دیگری دانسته‌اند. نوشتار حاضر با روش توصیفی - تحلیلی سبب نزول و تفاوت رأی در سبب نزول و شخصیت مد نظر آیه را در تفاسیر فریقین بررسی کرده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که دیدگاه آن دسته از مفسران فریقین که سبب نزول آیه ۱۷ سوره احقاف را عبدالرحمن بن ابی بکر دانسته‌اند، ناظر بر روایت جابر و مروان بن حکم است؛ اما این روایات دارای اشکالات فراوانی است تا آنجا که روایت اهل سنت - مستند بر سخن مروان بن حکم - برای آنکه با سخنان عایشه در تعارض است از صحت خارج می‌شود؛ از این رو، شماری از مفسران فریقین سبب نزول آیه ۱۷ سوره احقاف را گروهی از کافران بیان کرده‌اند.

کلید واژه‌ها: آیه ۱۷ سوره احقاف، سبب نزول، عبدالرحمن بن ابی بکر، فریقین.

*- تاریخ دریافت: ۹۷/۰۴/۰۴ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۲/۲۳

m.esmaeilpour@umz.ac.ir

**استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه مازندران.

*** دانشجوی کارشناسی ارشد، علوم قرآن و حدیث، دانشگاه مازندران.

applehdsahab@gmail.com

۱. بیان مسأله

درباره سبب نزول برخی آیات قرآن کریم اختلاف نظرهایی وجود دارد از آن گونه آیات، آیه «وَالَّذِي قَالَ لِبَوْلَدَيْهِ أَفْ لَكُمْ أَتَعِدَانِي أَنْ أُخْرَجَ وَقَدْ خَلَّتِ الْقُرُونُ مِنْ قَبْلِي وَهُمَا يَسْتَعْجِلَانِ اللَّهَ وَيَلْتَكُمُ الْآمِنُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَيَقُولُ مَا هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ» (احقاف / ۱۷)، است که نقل شده آیه درباره عبدالرحمن بن ابی بکر - فرزند ابوبکر خلیفه اول - است که به پدر و مادر خویش اف گفت؛ زیرا آن هنگام که پدر و مادرش به او گفتند: که انسان پس مرگ دوباره زنده می شود اما او این را نپذیرفت و بدانها اف گفت و این آیه سبب نزولش، کنش عبدالرحمن بن ابی بکر بوده است. این نگرش برخی از مفسران فریقین است که روایاتی دست آویز قرار داده اند که دارای اشکالاتی است؛ اما برخی دیگر از مفسران فریقین این نگرش را که سبب نزول آیه ۱۷ سوره احقاف عبدالرحمن باشد، نپذیرفتند؛ از این رو و به جهت ارزشمندی این پرسمان، نوشتار حاضر سعی کرده به سؤالات زیر پاسخ دهد:

الف. سبب نزول آیه ۱۷ سوره احقاف در تفاسیر فریقین در شأن چه کسی نازل شده است؟

ب. روایات واگوشی شده درباره سبب نزول آیه ۱۷ سوره احقاف معتبرند؟

ج. دلایل هر کدام از مفسران فریقین در بیان سبب نزول آیه ۱۷ سوره احقاف چیست؟ درباره پیشینه این موضوع مقالاتی نگاشته شده است که از جمله آنها: «بررسی ماجرای ولیعهدی یزید، اثر محسن رنجبر، مجله تاریخ اسلام در آینه پژوهش، بهار ۱۳۸۳، شماره ۱»؛ «رفع توهم حصر از آیه، مجله گلستان قرآن، تیر ۱۳۷۹، شماره

۱. و کسی که به پدر و مادرش گفت: اف بر شما! [من از شما متنفر و دلننگم]، آیا به من وعده می دهید که [پس از مرگ] زنده خواهم شد، در حالی که پیش از من اقوام بسیاری در گذشتند، [و هیچ کدام از آنان زنده نشدند]؛ و آن دو همواره [برای بازگشت فرزندشان] از خدا یاری می خواهند [و به فرزندشان می گویند]: وای بر تو ایمان بیاور، بی تردید وعده خدا [درباره سعادت و رستگاری مؤمنان در قیامت و شقاوت و بدبختی کافران] حق است. [ولی او در پاسخشان] می گوید: این [وعده ها] جز افسانه های گذشتگان نیست!

بررسی تفسیر آیه ۱۷ سوره احقاف با تأکید بر سبب نزول آیه ۱۵

۱۴؛ «معناشناسی داستان و اسطوره قرآن، اثر عباس اشرفی، مجله صحیفه مبین، تابستان ۱۳۷۸، شماره ۱۹»؛ «آراء و نقول در معرفت اسباب نزول (۲)، اثر محسن هاشمی؛ مجله گلستان قرآن، اسفند ۱۳۷۹، شماره ۵۵»؛ اما این آثار تنها بخشی از این موضوع را بررسی کرده‌اند؛ زیرا نخست، چندین موضوع را در یک مقاله گنجانده‌اند و دیگر اینکه، این موضوع را تنها از یک بُعد بررسی کرده‌اند؛ اما پیرامون موضوع «بررسی سبب نزول آیه ۱۷ سوره احقاف در تفاسیر فریقین» مقاله‌ای در دسترس نیست. در هر حال، مقاله حاضر سعی کرده این موضوع را با نگاهی منصفانه و به دور از هرگونه تعصب و تنها با رجوع به تفاسیر فریقین سبب نزول آن را بازشناسی کند.

۲. سبب نزول آیه ۱۷ سوره احقاف در تفاسیر فریقین

پیرامون آیه ۱۷ سوره احقاف نظرات گوناگونی از میان فریقین گفته شده است که در پاره‌ای نقاط با هم ناسازگاری دارند. به همین جهت نظرات مفسران شیعه و اهل سنت به صورت جدا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱. سبب نزول آیه ۱۷ سوره احقاف از دیدگاه مفسران شیعه

در تفاسیر شیعه، ذیل آیه «وَالَّذِي قَالَ لِوَالِدَيْهِ أُفٍّ لَكُمَا أَتَعِدَانِي أَنْ أُخْرَجَ وَقَدْ خَلَتِ الْقُرُونُ مِنْ قَبْلِي وَهُمَا يَسْتَفْتِيَانِ اللَّهَ وَيَلِكَ آمِنْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَيَقُولُ مَا هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ» (احقاف/ ۱۷)، آمده که:

۱. «و کسی که به پدر و مادرش گفت: اف بر شما! [من از شما متنفر و دلتنگم]، آیا به من وعده می‌دهید که [پس از مرگ] زنده خواهم شد، در حالی که پیش از من اقوام بسیاری در گذشتند، [و هیچ کدام از آنان زنده نشدند]؛ و آن دو همواره [برای بازگشت فرزندشان] از خدا یاری می‌خواهند [و به فرزندشان می‌گویند]: وای بر تو ایمان بیاور، بی‌تردید وعده خدا [درباره سعادت و رستگاری مؤمنان در قیامت و شقاوت و بدبختی کافران] حق است. [اولی او در پاسخشان] می‌گوید: این [وعده‌ها] جز افسانه‌های گذشتگان نیست!».

قمی و فیض کاشانی سبب نزول این آیه را عبدالرحمن بن ابی بکر دانسته‌اند و برای استوار کردن سخن خویش روایتی را از جابر بن عبدالله واگوش می‌کند که در آن جابر، حسین بن علی (علیه‌السلام) را مدح و عبدالرحمن بن ابی بکر را ذم می‌کند و این حدیث را جابر از امام باقر (علیه‌السلام) واگوش می‌کند (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۱۴/۵؛ قمی، ۱۳۶۳: ۲۹۷/۲).

شیخ طوسی درباره سبب نزول این معتقد است که آیه درباره عبدالرحمن بن ابی بکر نازل شده آن هنگام که فراخوانی پدر و مادر خویش در دعوت به اسلام را نپذیرفت و رستاخیز و زنده شدن پس از مرگ را انکار کرد و این آیه پیش از مسلمان شدن عبدالرحمن نازل شده است (طوسی، بی تا: ۲۷۷/۹).

اشکوری درباره سبب نزول آیه می‌نویسد: «آن کسی که به پدر و مادر خود که اور را به اسلام دعوت کردند، گفت دوری باد شما را. آیا شما مرا نوید می‌دهید که مبعوث می‌شوم و در صحرای رستاخیز زنده بیرون می‌آیم و حال آنکه مردم‌های قبل از من مرده‌اند و تاکنون هیچ‌کسی از آن‌ها زنده نشده‌اند پس چگونه مرا زنده می‌شوم؟ پدر و مادر فریاد برآوردند که خدا راه حق را روشن کند یا آنکه پدر و مادر عبدالرحمن از خدای متعال فریادرسی خواهند از سخنان بیهوده او» (اشکوری، ۱۳۷۳: ۱۴۶/۴).

حویزی و بحرانی درباره سبب نزول آیه گفته‌اند درباره عبدالرحمن بن ابی بکر نازل شده است به روایتی که در تفسیر قمی آمده استناد می‌کنند که در آن جابر به نقل از امام باقر (علیه‌السلام) می‌گوید آن حضرت (علیه‌السلام)، حسین بن علی (علیه‌السلام) را مدح می‌کند و عبدالرحمن بن ابی بکر را ذم می‌کند (حویزی، ۱۴۱۵: ۱۵/۵؛ بحرانی، ۱۴۱۵: ۴۳/۵).

بررسی تفسیر آیه ۱۷ سوره احقاف با تأکید بر سبب نزول آیه ۱۷

شُبر و بروجردی در این باره آورده‌اند که آیه ۱۷ سوره احقاف درباره عبدالرحمن بن ابی بکر نازل شده است (بروجردی، ۱۳۶۶: ۳۱۹/۶؛ شبر، ۱۴۰۷: ۱۲/۶).

مغنیه می‌نویسد که: «این فرزندی که قرآن درباره‌اش سخن می‌راند و می‌گوید: او کافر است و پدر و مادرش را نافرمانی می‌کند، کیست؟ در پاسخ باید گفت: خداوند از فرد خاصی نام نبرده، لیکن ظاهر آیه نشان می‌دهد که مراد از آن هر فرزندی است که به روز بازپسین کافر شود و دارای پدر و مادری باشد که هردو مؤمن هستند و در اندرز و هدایت او تلاش می‌کنند و او را از خشم و عذاب خدا می‌ترسانند و این فرزند با حالت پرخاشگرانه به آن‌ها می‌گوید: نفرین بر شما، چگونه انسان از گورش بیرون می‌آید، درحالی‌که وی به خاک تبدیل شده است؟ و آیا این کار در یکی از روزگاریها برای دیگران اتفاق افتاده است تا برای من نیز پیش آید؟ این آیه بر بسیاری از جوانان امروز صدق می‌کند تا آنجا که گویی درباره آن‌ها نازل شده است. با این همه اگر آنان با انگیزه شناخت و پیدا کردن درستی و راستی بپرسند و به کشمکش بپردازند، بر ما واجب است که از آنان و پرسش‌هایشان استقبال کنیم و تا حدّ توان بکوشیم آن‌ها را قانع سازیم تا به این آیه عمل کرده باشیم: «آن را برای مردم بیان کنید و پنهانش ننمایید» (آل عمران / ۱۸۷)؛ (مغنیه، ۱۴۲۴: ۴۸/۷).

ناصر مکارم شیرازی دیدگاه برخی از مفسران فریقین را که سبب نزول آیه را عبدالرحمن بن ابی بکر می‌دانند رد کرده و می‌نویسد: «آری گناه «عبدالرحمن» این بود که از یک‌سو به امیر مؤمنان علی (علیه‌السلام) عشق می‌ورزید کاری که برای

بنی‌امیه بسیار ناخوشایند بود؛ و از سوی دیگر با موروئی شدن خلافت و دگرگونی آن به سلطنت، شدیداً مخالف بود و بیعت گرفتن برای یزید را نوعی حرکت کسروی و هرقلی می‌دانست. لذا از طرف دشمنان قسم‌خورده اسلام، یعنی آل‌امیه، مورد حمله واقع شد و آیات قرآن مجید را در مورد او تحریف کردند؛ و چه پاسخ مناسبی عایشه به مروان داد که خداوند پدر تو را لعنت کرد در حالی که تو در پشت او بودی اشاره به آیه «وَ الشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ» (اسراء/۶۰)؛ (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۳۴۱/۲۱).

محمدحسین طباطبایی سبب نزول این آیه را چنین مطرح می‌کند: «آن در مورد کسی است که به خدا و رسولش و معاد کفر می‌ورزد و چون پدر و مادرش او را به سوی ایمان دعوت نمودند و از معاد می‌ترسانند قبول نکرد و گفت: آیا مرا تهدید می‌کنید که یک‌بار از قبرم بیرون می‌آیم و برای پس دادن حساب حاضر می‌شوم؛ و خلاصه آنکه آیا مرا به معاد تهدید می‌کنید در حالی که امت‌هایی که قبل از من بوده‌اند هلاک شدند اما زنده نشده‌اند. باید بعضی از افرادی که تاکنون مرده‌اند زنده شده باشند، با اینکه مردگان تا امروز بشر، در این قرن‌های طولانی که نمی‌توان آغازش را دقیقاً معین کرد، آن‌قدر زیاد بودند که از حد شمار بیرون‌اند و از هیچ‌یک آن‌ها خبر و اثری نشده. ولی این نابخردان این‌قدر نفهمیده‌اند که اگر بعضی از مردگان گذشته زنده می‌شدند، در دنیا زنده می‌شدند و تهدید و وعید خدای سبحان این نیست، بلکه زنده شدن در آخرت و برخاستن در نشاء دیگر است نه در دنیا» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۰۳/۱۸).

بررسی تفسیر آیه ۱۷ سوره احقاف با تأکید بر سبب نزول آیه ۱۹

به هر حال طباطبایی در تفسیر این آیه اشاره‌ای به شخص خاصی که آیه در موردش نازل شده باشد نمی‌کند. بلکه تنها در بحث روایی به دو روایت در المنثور که در آن مروان بن حکم، عبدالرحمن بن ابی بکر را سبب نزول آیه معرفی کرده، اشاره می‌کند؛ در حالی که عایشه این سخن را رد می‌کند و در روایت دیگر آمده که ابن عباس نقل کرده سبب نزول آیه یکی از فرزندان ابوبکر است (همان: ۲۰۸/۱۸).

به‌طورکلی از سخن مفسران شیعه چنین دریافت می‌شود: برخی با آنکه دلایل خاصی درباره سبب نزول آیه ۱۷ سوره احقاف ندارند؛ اما می‌گویند که آیه ۱۷ سوره احقاف درباره عبدالرحمن بن ابی بکر نازل شده است. یکی از این مفسران شیعه که تنها بر پایه یک روایت از جابر بن عبدالله که در آن امام حسین (علیه‌السلام) مدح و عبدالرحمن بن ابی بکر ذم شده است می‌گوید این آیه در مورد عبدالرحمن نازل شده است. این در حالی است که وقتی سند این روایت بررسی می‌شود در آن عبارت «باسناد رفعه» آمده است^۱ (قمی، ۱۳۶۳: ۲/۲۹۷) که نشان از افتادگی سند دارد؛ و در متن می‌بینیم که امام حسین (علیه‌السلام) مدح و عبدالرحمن ذم شده است و

۱. «حَدَّثَنِي الْعَبَّاسُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ سَهْلٍ بِإِسْنَادٍ رَفَعَهُ إِلَيَّ جَابِرُ بْنُ يَزِيدَ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: ثُمَّ أَتَيْعَ اللَّهُ جَلَّ ذِكْرُهُ مَدْحَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِذِمِّ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ قَالَ جَابِرُ بْنُ يَزِيدَ نَقَلْتُ هَذَا الْحَدِيثَ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا جَابِرُ وَاللَّهِ لَوْ سَبَقَتِ الدَّعْوَةُ مِنَ الْحُسَيْنِ «وَأَصْلِحْ لِي ذُرِّيَّتِي» لَكَانَ ذُرِّيَّتُهُ كُلُّهُمْ أَيْمَةً وَ لَكِنْ سَبَقَتِ الدَّعْوَةُ «أَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي» فَمِنْهُمْ الْأَيْمَةُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَاحِدٌ فَوَاحِدٌ فَثَبَّتَ اللَّهُ بِهِمْ حُجَّتَهُ؛ با سندی از جابر بن یزید روایت شده

که گفت: جابر بن عبدالله (انصاری) به او پیشنهاد داد: آیا تمجید و مدح و ثنای امام حسین (علیه‌السلام) را با مذمت و سرزنش عبدالرحمن معاوضه می‌کنی؟ پس جابر این موضوع را برای امام باقر (علیه‌السلام) مطرح کرد و حضرت فرمود: ای جابر به خدا سوگند! چنانکه امام حسین (علیه‌السلام) به درگاه خداوند چنین «و اصلح لی ذریتی» درخواست کرده بود، تمامی ذریه‌اش اما پاک می‌بودند ولی درخواست ایشان «و اصلح لی فی ذریتی»؛ یعنی اصلاح و شایستگی در نسل و ذریه من امام گرفت، از این رو امامت در فرزندان او، یکی پس از دیگری واقع شد و خداوند به وسیله‌ی ایشان حجت خود را تثبیت کرد».

دلیلی بر ذم عبدالرحمن مطرح نشده است و هیچ. پس این روایت از دو جهت سندی و متنی مورد اشکال است و نمی‌توان بدان استدلال کرد. پس نظرات مفسران شیعه این‌گونه دسته‌بندی می‌شود که برخی از مفسران مانند قمی، فیض کاشانی، حویزی و بحرانی با استناد به روایت جابر بن عبدالله سبب نزول آیه ۱۷ سوره احقاف را عبدالرحمن بن ابی بکر معرفی کرده‌اند که دو اشکال سندی و متنی بر آن صادق است؛ برخی دیگر از مفسران شیعه مانند شبر و بروجردی مستند خاصی بر ادعای خویش که سبب نزول آیه را عبدالرحمن دانسته‌اند، ندارند؛ اما برخی دیگر مانند شیخ طوسی روایتی منقول از حسن استناد کرده که آیه در مورد عبدالرحمن است که البته این روایت با نقل عایشه در تضاد بوده و رد می‌شود.

ناصر مکارم شیرازی سخنان آن دسته از کسانی که می‌گویند آیه ۱۷ سوره احقاف در مورد عبدالرحمن دانسته‌اند رد کرده و می‌نویسد تنها جرم عبدالرحمن آن است که عاشق امام علی (علیه‌السلام) بوده است؛ که این امر برای بنی‌امیه گران آمده و به او دروغ بسته‌اند؛ زیرا این جماعت برای رسیدن به اهدافشان از هیچ کاری فروگذار نکرده‌اند؛ اما طباطبایی در تفسیر این آیه اشاره‌ای به شخصی خاصی که آیه در موردش نازل شده باشد، نمی‌کند.

پس می‌توان گفت ادعای گروهی از مفسران شیعه که سبب نزول آیه ۱۷ سوره احقاف را عبدالرحمن نسبت می‌دانند دلیلی خاصی پیرامون نظراتشان ارایه نکرده‌اند مگر روایتی که قمی آن را نقل می‌کند که آن هم از لحاظ سندی و متنی دچار اشکال است تا آنجا که می‌توان گفت تنها کتابی است که این روایت جابر بن عبدالله را نقل کرده است.

۲-۲. سبب نزول آیه ۱۷ سوره احقاف از دیدگاه مفسران اهل سنت

در تفاسیر اهل سنت، ذیل آیه «وَ الَّذِي قَالَ لَوْلَا دِيهِ أَفَّ لَكُمْ أَ تَعِدَانِي أَنْ أُخْرَجَ وَ قَدْ خَلَتِ الْقُرُونُ مِنْ قَبْلِي وَ هُمَا يَسْتَعْجِنَانِ اللَّهَ وَ يَلْتَكِ آمِنْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَيَقُولُ مَا هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ» (احقاف / ۱۷)، طبری درباره سبب نزول این آیه می‌نویسد: «آیه در مورد کسانی است که عاق والدین شده و نصیحت و سخنان آن‌ها را نپذیرفتند و کافر ماندند و این آیه در مورد یکی از فرزندان ابوبکر نازل شده است زمانی که پدر و مادرش به او گفتند که تو بعد از مرگ زنده می‌شوی و او برانگیخته شدن پس از مرگ را انکار کرد و او کافر ستمکار است که عاق والدین شده است. انگیزه او [عبدالرحمن بن ابی بکر] برای رد این سخنان آن بود که شما مرا نوید می‌دهید که زنده می‌شوم درحالی که گذشتگان قبل از من برایشان چنین رخ نداده است» (طبری، ۱۴۱۲: ۱۴/۲۶).

ابن ابی حاتم درباره سبب نزول این آیه می‌نویسد: که آیه در مورد عبدالرحمن بن ابی بکر نازل شده است که به پدر و مادرش اف گفت درحالی که پدر و مادرش مسلمان بودند و او را به اسلام فراخواندند، نپذیرفت و تکذیب کرد و گفت آن کسانی از قریش که مردند کجایند چرا زنده نشده‌اند پس او بعد از اسلام آوردن توبه کرد و توبه‌اش پذیرفته شد و آیه «وَ لِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِمَّا عَمِلُوا» (احقاف / ۱۹) نازل شد (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۳۲۹۶/۱۰).

۱. «و کسی که به پدر و مادرش گفت: اف بر شما! [من از شما متنفر و دلتنگم]، آیا به من وعده می‌دهید که [پس از مرگ] زنده خواهم شد، در حالی که پیش از من اقوام بسیاری در گذشتند، [و هیچ کدام از آنان زنده نشدند]. و آن دو همواره [برای بازگشت فرزندشان] از خدا یاری می‌خواهند [و به فرزندشان می‌گویند]: وای بر تو ایمان بیاور، بی‌تردید وعده خدا [درباره سعادت و رستگاری مؤمنان در قیامت و شقاوت و بدبختی کافران] حق است. [اولی او در پاسخشان] می‌گوید: این [وعده‌ها] جز افسانه‌های گذشتگان نیست!».

ابن عطیه درباره سبب نزول این آیه می‌نویسد: از ابن عباس در تفسیر طبری نقل شده است که این آیه درباره یکی از فرزندان ابوبکر نازل شده است و از قتاده نیز نقل شده که گفته است مروان بن حکم گفته است این آیه در مورد عبدالرحمن بن ابی بکر نازل شده است (ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۹۸/۵).

سمرقندی، طبرانی، ابن ابی زینب، فخر رازی، ابن ابی جامع و ابن کثیر، ثعلبی در تفاسیرشان سبب نزول آیه ۱۷ سوره احقاف را عبدالرحمن بن ابی بکر دانسته‌اند آن زمانی که پدرش او را به اسلام دعوت کرد و او رد کرد و صحت این سخن زمانی است که معاویه، مروان بن حکم را برای بیعت با مردم فرستاد و او گفت: ای مردم من به شیوه خلفای گذشته می‌خواهم برای یزید از شما بیعت بگیرم که عبدالرحمن اعتراض کرد و گفت اگر چنین شیوه‌ای شیوه، گذشتگان است پس چرا پدر من، مرا به این مسند منصوب نکرد و مروان برای پاسخ به این سخنان عبدالرحمن گفت تو بنشین که آیه ۱۷ سوره احقاف در مورد تو نازل شده است در این زمان عایشه اعتراض کرد و گفت ای مروان این آیه درباره کسی دیگر نازل شده است و اگر بخواهی من آن را معرفی می‌کنم (سمرقندی، ۱۴۱۶: ۲۸۹/۳؛ طبرانی، ۲۰۰۸: ۱۲/۶؛ ابن ابی زینب، ۱۴۲۴: ۳۱۴/۲؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۲۸/۲۱؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۲۶۰/۷؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۱۳/۹). هر چند ابن کثیر این قول و روایت را سست دانسته است (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۲۶۰/۷).

واحدی نیز می‌نویسد که این آیه در مورد کافری که مورد عاق والدین قرار گرفته نازل شده است، آنجا که برانگیخته شدن بعد از مرگ را انکار کرد (واحدی، ۱۴۱۵: ۹۹۶/۲).

بررسی تفسیر آیه ۱۷ سوره احقاف با تأکید بر سبب نزول آیه ۲۳

ماوردی درباره سبب نزول این آیه ۳ قول را مطرح می‌کند: دو قول اول و دوم کم و بیش یک‌سخن را بیان می‌کنند و آن است که: این آیه درباره عبدالرحمن بن ابی بکر نازل شده است آنجا که دعوت پدرش را به اسلام رد کرد و برانگیخته شدن پس از مرگ را انکار کرد و این زمانی است که او هنوز مسلمان نشده بود و این قول را سدی می‌گوید؛ قول سوم: این آیه در مورد گروهی از کفار نازل شده است که به پدرشان اُف گفتند (ماوردی، بی‌تا: ۲۸۰/۵).

ابن جوزی درباره سبب نزول این آیه می‌نویسد: که این آیه در مورد گروهی از کفار قریش نازل شده است (ابن جوزی، ۱۴۲۵: ۳۵۳/۱).

سیوطی درباره سبب نزول این آیه آورده که این آیه بر پایه نگرش مروان بن حکم درباره عبدالرحمن بن ابی بکر نازل شده است زمانی که معاویه به مروان بن حکم دستور داد که از مردم برای یزید بیعت بگیرد که در این زمان بود که مروان گفت می‌خواهم از شما مردم برای یزید بیعت بگیرم و در این کار به شیوه شیخین عمل می‌کنم که عبدالرحمن بن ابی بکر اعتراض کرد و گفت اگر چنین بود پس چرا پدرم مرا به این کار منصوب نکرد و مروان در پاسخ اعتراض عبدالرحمن گفت: تو بنشین که آیه «و الذی قال لوالدیه اف لکما» درباره تو نازل شده است و عایشه وقتی این سخن را شنید و اعتراض کرد، گفت این آیه در مورد کسی دیگر است (سیوطی، ۱۴۰۴: ۴۱/۶؛ بخاری، ۱۴۱۰: ۱۸/۸، ح ۴۱۸۶).

به‌طورکلی از سخن مفسران شیعه چنین دریافت می‌شود که برخی از مفسران اهل سنت مانند طبری، ابن ابی حاتم، سمرقندی، ابن زمنین، فخر رازی، ابن کثیر، ثعلبی، سیوطی، طبرانی، ابن ابی زمنین و ابن ابی جامع و ماوردی در دو قول اول خویش،

عبدالرحمن بن ابی بکر را سبب نزول آیه ۱۷ سوره احقاف معرفی کرده‌اند و انگیزه آنان روایتی است که در آن مروان بن حکم برای آرام کردن عبدالرحمن بن ابی بکر که عمل او را، عمل پادشاهان کسری خواند، سبب نزول آیه را عبدالرحمن معرفی می‌کند که عایشه سخن مروان را رد کرده و گوید که ای مروان سخن تو اشتباه است و آیه درباره شخص دیگری نازل شده است که اگر بخواهی می‌گویم. حال بنگریم که این روایت با سخن عایشه در تعارض است و این یک اشکال بزرگ برای ادعای این گروه است. البته در روایتی دیگر آمده: «زبیر، از عبد الله بن نافع نقل می‌کند که: معاویه سخنرانی کرد و مردم را به بیعت با یزید، فراخواند. حسین بن علی و [عبدالله] ابن زبیر و عبدالرحمن بن ابی بکر، به او اعتراض کردند. عبدالرحمن گفت: مگر [خلافت]، پادشاهی روم است که هرگاه قیصری بمیرد، قیصری دیگر جانشین او شود؟! به خدا سوگند، هرگز چنین نمی‌کنیم! زبیر همچنین به سندش از عبدالعزیز زُهری می‌گوید: پس از این، معاویه صد هزار درهم برای عبدالرحمن بن ابی بکر فرستاد؛ اما او آن را باز پس فرستاد و گفت: دینم را به دنیا نمی‌فروشم. به سوی مکه، بیرون شد و پیش از آنکه بیعت برای یزید به انجام رسد، در آنجا درگذشت» (ابن حجر، ۱۴۱۵: ۲۷۶/۴).

در روایت واگوش شده معاویه در پاسخ اعتراض عبدالرحمن بن ابی بکر، جای بسی شگفتی است که نه تنها سخنان مروان بن حکم را نگفت؛ بالاتر از آن خواسته با دادن پول اعتراض او را خاموش کند؛ که این عمل نشان از بی‌اعتبار بودن سخن مروان بن حکم است؛ زیرا اگر سخن مروان درست بود، معاویه همان را واگوش می‌کرد پس این سخن را نگفت چون دلیلی بر صحت آن وجود ندارد.

۳. نتیجه گیری

پژوهش حاضر پس از بررسی تفاسیر فریقین به این برآیندها دست یافته است:

۱. در تفاسیر فریقین دلیلی قابل استدلال بر سبب نزول آیه ۱۷ سوره احقاف که درباره عبدالرحمن بن ابی بکر نازل شده باشد، وجود ندارد. برخی از مفسران شیعه مانند قمی، فیض کاشانی، حویزی، بحرانی تنها بر پایه یک روایت منقول از جابر بن عبدالله می گویند که در آن امام حسین (علیه السلام) مدح شده و درباره عبدالرحمن بن ابی بکر ذم شده سبب نزول این آیه را عبدالرحمن دانسته اند که این روایت از دو جهت سندی و متنی دارای اشکالاتی است که اعتبار آن را دچار خدشه می کند.
۲. شیخ طوسی به روایتی از حسن استناد می کند که این روایت با سخن عایشه و عمل معاویه که به جای آنکه سخن مروان را بگوید تنها خواست با پرداخت پول جلوی سخنان عبدالرحمن را بگیرد رد می شود. مفسران دیگری مانند شبر و بروجردی بدون دلیل محکمی و تنها با استنباط اجتهادی، این نسبت را به عبدالرحمن داده اند؛ که نظر شخصی در تفسیر ارزشی ندارد.
۳. نظرات برخی از مفسران اهل سنت مانند طبری، ابن ابی حاتم، سمرقندی، ابن زمنین، فخر رازی، ابن ن کثیر، ثعلبی، سیوطی، طبرانی، ابن ابی زمنین و ابن ابی جامع و ماوردی در دو قول اول خویش عبدالرحمن بن ابی بکر را سبب نزول آیه ۱۷ سوره احقاف معرفی کرده اند و از برای آنکه این روایت با سخنان عایشه و عمل معاویه که در پاسخ اعتراض عبدالرحمن بن ابی بکر، به جای آنکه سخنان مروان بن حکم را تکرار کند خواسته با پرداخت پول او را خاموش کند بی اعتبار بودن سخن مروان بن حکم را ثابت می کند؛ زیرا اگر سخن مروان درست بود معاویه همان را تکرار می کرد پس این سخن را نگفت چون اعتباری نداشت.

۴. در میان مفسران شیعه برخی مانند ناصر مکارم شیرازی سخن آن دسته از مفسران که می‌گویند سبب نزول آیه عبدالرحمن بن ابی بکر است را رد می‌کند و تنها دلیل این نسبت ناروا را تعصب آن گروه می‌داند؛ همچنین محمدحسین طباطبایی نیز به‌نوعی سخنان این گروه را قبول ندارد؛ زیرا در تفسیرش هیچ شخص خاصی را پیرامون سبب نزول این آیه مطرح نمی‌کند و آنجا که هم اشاراتی را هم بیان می‌کند این اشارات را با کمی شک مطرح می‌کند که همگی دال بر آن است که ایشان سبب نزول آیه را شخص خاصی نمی‌دانند؛ البته برخی دیگر از مفسران اهل سنت مانند ابن جوزی، واحدی و ماوردی در قول سوم خویش سبب نزول را کافری می‌دانند که عاق والدین شده است.

۵. شخصیت مدنظر آیه فردی به‌غیر از عبدالرحمن بن ابی بکر است و آن شخص گویا فردی کافر است که معاد و روز رستاخیز را انکار می‌کند و علت این‌که این موضوع را به عبدالرحمن نسبت می‌دهند تنها علاقه او به اهل بیت (علیهم‌السلام) بود.

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ابی جامع، علی بن حسین، (۱۴۱۳ ه.ق). الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز (عاملی)، (محقق: مالک محمودی)، قم: دارالقرآن الکریم.
۳. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، (۱۴۱۹ ه.ق)، تفسیر القرآن العظیم (ابن ابی حاتم)، چاپ سوم، ریاض: مکتبه نزار مصطفی الباز.
۴. ابن ابی زمنین، محمد بن عبدالله، (۱۴۲۴ ه.ق)، تفسیر ابن ابی زمنین، بیروت: دارالکتب العلمیه: منشورات محمدعلی بیضون.

بررسی تفسیر آیه ۱۷ سوره احقاف با تأکید بر سبب نزول آیه ۲۷

۵. ابن حجر، محمد بن علی، (۱۴۱۵ هـ.ق)، الإصابه، (تحقیق: شیخ عادل احمد عبد الموجود و شیخ علی محمد معوض)، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۶. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، (۱۴۲۵ هـ.ق)، تذکره الأریب فی تفسیر الغریب (غریب القرآن الکریم)، بیروت: دار الکتب العلمیه - منشورات محمدعلی بیضون.
۷. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، (۱۴۱۹ هـ.ق)، تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)، (محقق: محمدحسین شمس‌الدین)، بیروت: دار الکتب العلمیه - منشورات محمدعلی بیضون.
۸. ابن عطیه، عبدالحق بن غالب، (۱۴۲۲ هـ.ق)، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، (گردآورنده: جمال طلبه)، (محقق: عبدالسلام عبدالشافی محمد)، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون.
۹. اشکور، محمد بن علی، (۱۳۷۳ هـ.ش)، تفسیر شریف لاهیجی، (مصحح: جلال‌الدین محدث)، تهران، دفتر نشر داد.
۱۰. بحرانی، هاشم بن سلیمان، (۱۴۱۵ هـ.ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، (محقق: بنیاد بعثت، واحد تحقیقات اسلامی)، قم: موسسه البعثة - قسم الدراسات الإسلامیه.
۱۱. بخاری، محمد بن اسماعیل، (۱۴۱۰ هـ.ق)، صحیح البخاری، (محقق: مصر. وزارة الأوقاف، المجلس الأعلى للشؤون الإسلامیه، لجنة إحياء كتب السنه)، چاپ دوم، قاهره: جمهوریة مصر العربیه - وزارة الاوقاف - المجلس الاعلى للشؤون الاسلامیه - لجنة إحياء كتب السنه.
۱۲. بروجردی، محمدابراهیم، (۱۳۶۶ هـ.ش)، تفسیر جامع، چاپ ششم، تهران: کتابخانه صدر.
۱۳. ثعلبی، احمد بن محمد، (۱۴۲۲ هـ.ق)، الكشف و البیان المعروف تفسیر الثعلبی، (محقق: ابی محمد ابن عاشور، مراجعه و تدقیق: نظیر ساعدی)، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۴. حویزی، عبدعلی بن جمعه، (۱۴۱۵ هـ.ق)، تفسیر نور الثقلین، (مصحح: هاشم رسولی)، چاپ چهارم، قم: اسماعیلیان.

٢٨ دو فصلنامه تفسير پژوهی

١٥. سمرقندی، نصر بن محمد، (١٤١٦ هـ.ق)، تفسير السمرقندی المسمى بحر العلوم، (محقق: عمر عمروی)، بیروت: دارالفکر.
١٦. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، (١٤٠٤ هـ.ق)، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره).
١٧. شبر، عبدالله، (١٤٠٧ هـ.ق)، الجوهر الثمین فی تفسیر الكتاب المبین، (مقدمه نویس: محمد بحر العلوم)، کویت: شركة مكتبة الالفین.
١٨. طباطبائی، سید محمدحسین، (١٣٩٠ هـ.ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
١٩. طبرانی، سلیمان بن احمد، (٢٠٠٨ م)، التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم (الطبرانی)، اربد: دار الكتاب الثقافی.
٢٠. طبری، محمد بن جریر، (١٤١٢ هـ.ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، بیروت: دار المعرفة.
٢١. طوسی، محمد بن حسن، (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، (مصحح: احمد حبیب عاملی)، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
٢٢. فخر رازی، محمد بن عمر، (١٤٢٠ هـ.ق)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، چاپ سوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
٢٣. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، (١٤١٥ هـ.ق)، تفسیر الصافی، (مقدمه و تصحیح: حسین اعلمی)، چاپ دوم، تهران: مکتبه الصدر.
٢٤. قمی، علی بن ابراهیم، (١٣٦٣ هـ.ش)، تفسیر القمی، (محقق: طیب موسوی جزایری)، چاپ سوم، قم: دار الكتاب.
٢٥. ماوردی، علی بن محمد، (بی تا)، النکت و العیون تفسیر الماوردی، (مراجعہ و تعلیق: سید بن عبدالمقصود عبدالرحیم)، بیروت: دار الکتب العلمیة - منشورات محمدعلی بیضون.

بررسی تفسیر آیه ۱۷ سوره احقاف با تأکید بر سبب نزول آیه ۲۹

۲۶. مغنیه، محمدجواد، (۱۴۲۴ هـ.ق)، التفسیر الکاشف، قم: دار الکتب الإسلامی.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱ هـ.ش)، تفسیر نمونه، چاپ دهم، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۲۸. واحدی، علی بن احمد، (۱۴۱۵ هـ.ق)، الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز (واحدی)، (محقق: صفوان عدنان داوودی)، بیروت: دار القلم.